

Professional ethics in education

Vol 1 no 1

Spring 1400

Background of teacher professional ethics in education

Soltanali Faiz¹, Zabihollah Allahi²

Abstract

The principles of professional ethics and commitment to this important concept play a key role in any organization. Ethical principles play an important role, especially in educational systems. In some countries, educational systems have rules for teachers called "Principles of Teacher Professional Ethics." Believing in the principles of professional ethics has developed in many countries today. The purpose of this study was to review the principles and examples of professional ethics among teachers and education. The method of the present study was descriptive and review. Accordingly, by examining internal and external databases including learners, treasure, SID, Noormags, Scopes, Science Direct, ProQuest, Google Scholar, and Google with the keywords ethics, teacher professional ethics, ethics-oriented education, ethics in teacher training, teacher ethics / morality, ethics / morality in education, professional ethics were examined. Google data retrieval techniques, such as AND, OR, file type and "" operators, were used as the search strategy. Out of 137 articles extracted, finally 27 articles were studied. As a result of these studies, the nature of the teaching profession, collective ethics in the teaching profession, the basics of moral and personality education, the characteristics of ethical education, linking ethics to courses, professional ethics issues in education, normative tools and necessary regulations→Teacher professional cognition were presented. It can be concluded that success in the professional activity of a teacher requires the observance of principles, strategies and standards of professional ethics.

Keywords: Ethical Principles, Professional Ethics, Ethical Education, Teacher Training

¹ Instructor, English Department, Farhangian University so.feyz1963@gmail.com

² Lecturer, Department of Educational Sciences, Farhangian University (Corresponding Author) zallahi57@gmail.com

پیشینه شناسی اخلاق حرفه‌ای معلم در آموزش

سلطانعلی فیض^۱

ذبیح الله الهی^۲

(صفحات ۱۷۵-۱۵۴)

چکیده

اصول اخلاق حرفه‌ای و تعهد به این مفهوم مهم، نقش اساسی در هر سازمانی دارند. اصول اخلاقی به‌ویژه در نظام‌های آموزشی، نقش مهمی ایفا می‌کنند. در نظام‌های آموزشی برخی کشورها قوانینی برای معلمان در نظر گرفته شده است که "اصول اخلاق حرفه‌ای معلمی" نام دارد. باور اصول اخلاق حرفه‌ای امروزه در بسیاری از کشورها توسعه یافته است. هدف از این پژوهش، مروری بر اصول و مصادیق اخلاق حرفه‌ای در بین معلمان بود. روش پژوهش حاضر توصیفی و از نوع مروری بود. بر این اساس، با بررسی پایگاه‌های داده اطلاعاتی داخلی و خارجی شامل مگیران، گنج، SID، نورمگز، اسکوپس^۳، ساینس دایرکت^۴، پروکوئست^۵، گوگل اسکالر^۶ و گوگل با کلیدواژه‌های اصول اخلاقی، اخلاق حرفه‌ای معلم، آموزش اخلاق مدار، اخلاق در تربیت معلم، *ethics/morality in teacher ethics/morality*، *professional ethics .education* مورد بررسی قرار گرفتند. از فنون بازیابی اطلاعات گوگل، مانند عملگرهای *file type*، *OR*، *AND* و " " به‌عنوان راهبرد جست‌وجو استفاده شد. از تعداد ۱۳۷ مقاله استخراج شده، در نهایت تعداد ۲۷ مقاله مورد مطالعه قرار گرفتند. در نتیجه این بررسی‌ها ماهیت حرفه‌ی معلمی، اخلاق جمعی در حرفه‌ی معلمی، مبانی آموزش اخلاقی و شخصیتی، ویژگی‌های آموزش اخلاق-مدار، پیوند دادن اخلاق به دروس، مسائل اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پرورش، ابزارهای هنجارمدار و آیین‌نامه‌های بایسته‌شناسی حرفه‌ی معلمی ارائه شدند. می‌توان نتیجه گرفت موفقیت در فعالیت حرفه‌ای معلمی نیازمند رعایت اصول، راهبردها و موازین اخلاق حرفه‌ای است.

واژه‌های کلیدی: اصول اخلاقی، اخلاق حرفه‌ای، آموزش اخلاق مدار، تربیت معلم

۱. مربی، گروه زبان انگلیسی، دانشگاه فرهنگیان so.feyz1963@gmail.com

۲. مدرس، گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول) zallahi57@gmail.com

۳. Scopus

۴. Science Direct

۵. ProQuest

۶. Google Scholar

۷. ERIC

بسیار روشن است که معلمان نقش کلیدی در هر نظام آموزشی دارند. معلم می‌تواند یک محیط یادگیری پر انگیزه‌ای را فراهم آورد تا اطمینان بخشد همه‌ی دانش‌آموزان به توانمندی‌های ناشناخته و پنهان خودشان دست یابند و به شیوه‌ای مناسب رفتار کنند. علاوه بر آن، معلمان می‌توانند بر عواطف، احساسات و زندگی دانش‌آموزان آگاهانه و یا ناآگاهانه اثر بگذارند. بحث اخلاق و به‌طور ویژه اخلاق حرفه‌ای از مسائل مهم در نظام آموزشی است که معلمان به آن نیازمند هستند (مالون^۱، ۲۰۲۰). در واقع از مهم‌ترین متغیرهای موفقیت هر سازمانی پایبندی به اصول اخلاق حرفه‌ای است که با بررسی مسائل اخلاقی در یک حرفه، فرد را به سمت رعایت مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها و رابطه‌ها در راستای ایفای صحیح حرفه‌ی خویش هدایت می‌کند (چرابین، مشکی باف مقدم، صلواتی و طلایی بیمرغی، ۱۳۹۶). منظور از اخلاق حرفه‌ای، مجموعه قواعدی است که باید افراد داوطلبانه و بر اساس ندای وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای رعایت کنند؛ بدون آنکه الزام خارجی داشته باشند یا در صورت تخلف، به مجازات‌های قانونی دچار شوند (مرادی و توسلی، ۱۳۹۸). اخلاق حرفه‌ای کدهای اخلاقی متناسب با ساختار حرفه‌ای یک سازمان است (بن لوکمن، بن جوهری و بن آزار^۲، ۲۰۲۰). رعایت اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پرورش یکی از مؤلفه‌های مهم در ارتقای کیفیت آموزش خواهد بود (موسوی و وشنی، ۱۳۹۵؛ چرابین، مشکی باف مقدم، صلواتی و طلایی بیمرغی، ۱۳۹۶) که راهنمای معلمان در انجام وظایف‌شان است.

در زبان انگلیسی از دو واژه‌ی *ethics* و *morality* برای تبیین معنای اخلاق استفاده می‌شود. با اینکه هر دو واژه از نظر معنایی خیلی به هم پیوسته‌اند، اما یکی نیستند و تفاوت‌هایی بین آنهاست که مانع از کاربرد نادرست‌شان می‌شود. *ethics* به‌عنوان مجموعه قوانین رفتاری و در ارتباط با یک گروه تعریف می‌شود. این گروه می‌تواند خانواده، جامعه و یا یک ملت باشد. از آن طرف، *morality* یا *morals* در اصل جنبه‌ی شخصی دارد. ارتباط و انفصال بین این دو را می‌توان بدین حالت بیان کرد که *ethics* یک نظم اجتماعی است که با فلسفه سر و کار دارد درحالی‌که *morality* جنبه مصداقی و کاربردی پیدا می‌کند؛ مجموعه‌ی باورهایی است درباره‌ی اینکه چه چیزی درست و

^۱. Malone

^۲. Bin-Lokman Bin-Johari, & Bin Azhar

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

چه چیزی نادرست است. *ethics* قبول تمامیت جامعه است ولی *morality* نه. و نکته آخر اینکه آنچه مردم به عنوان *morals* و *morality* می‌دانند ممکن است با *ethics* جامعه هماهنگ باشد یا نباشد. با توجه به تعاریف بالا در کل می‌توان واژه‌ی *ethics* را اخلاق جمعی یا اجتماعی و واژه‌ی *morality* را اخلاق فردی یا شخصی نامید. بنابر این اگر در آموزش و پرورش، اخلاق فردی و اجتماعی را مدنظر داشته باشیم، برونداد آن افراد و جامعه‌ای اخلاق مدار خواهد بود.

کتبپنوا^۱ (۲۰۱۴)، در اهمیت اخلاق فردی در راهبردهای آموزشی ضمن یادآوری مسئولیت معلمان در آموزش دروس مدرسه و دانشگاه مطابق با معیارها و اهداف مشخص و کسب آمادگی لازم برای انتقال آن‌ها به دانش آموزان و دانشجویان، به موضوع اهمیت اخلاق و نقش مهم آن در جامعه در کنار دروس می‌پردازد. او در این زمینه سؤالات زیر را مطرح کرد: چه کسی مسئول آموزش اخلاق است؟ آیا این وظیفه جامعه -از جمله معلمان- است تا فضایل زندگی متمدن را به نسل بعدی منتقل کنند؟ یا اینکه این کار فقط در حوزه‌ی نظارت والدین قرار می‌گیرد؟ چه کسی تصمیم می‌گیرد چه اصول اخلاقی مورد توجه است و چه اصولی نیست؟ او معتقد است که برخی جوامع برنامه‌های شخصیت‌سازی معین خودشان را دارند که در برنامه‌ی مدارس و زندگی اجتماعی آن‌ها گنجانده شده است. پاسخ به سؤالات فوق قدری دشوار است، اما آنچه در پاسخ به این سؤالات می‌توان با دقت بیان نمود این است که رسیدن به اخلاق و درونی کردن اصول اخلاقی نمی‌تواند وظیفه یک فرد یا نهاد خاص باشد و نیازمند همگرایی بین تمامی بخش‌ها و جنبه‌های به هم مرتبط اجتماعی است.

اگر قرار بود به یک نفر یک میلیارد تومان می‌دادیم، آیا او فردی ثروتمند بود؟ شاید در حال چنین باشد، ولی ما می‌دانیم که ملاک تعیین ثروت واقعی، نه چگونه به دست آوردنش بلکه انجام دادن چه کاری با آن است. آیا آن فرد پیش‌زمینه و آموزش لازم را دارد تا کمکش کند پول را نگه دارد و بیشترش کند یا اینکه یک‌ساله آن را هدر خواهد داد؟ می‌توان به آموزش چنین نگاهی داشت. آموزش ارزشمند است ولی مسئله دریافت آموزش نیست، آنچه دانش آموزان با آموزش انجام می‌دهند اهمیت دارد. آیا آن را هدر خواهند داد؟ آیا از آن بهره می‌جویند تا از جهان، مکانی روشن‌تر یا تاریک‌تر بسازند؟ اخلاق تا حدی مسئولیت دارد به دانش آموزان و دانشجویان کمک کند تا به بهترین شکل

^۱. Catapano

پیشینه شناسی اخلاق حرفه ای معلم در آموزش

آموزش دریافتی‌شان را به نفع خود و جامعه‌ی پیرامون خود بکار گیرند. مارتین لوتر کینگ هوش همراه با منش را هدف یک آموزش راستین بیان می‌کند. زمانی که بررسی می‌کنیم درون‌مایه‌ی یک آموزش کامل چیست، سخن دکتر کینگ به ما کمک می‌کند بدانیم صرف هوش کفایت نمی‌کند. این درون‌مایه‌ی منش و شخصیت فرد است که کمک می‌کند تا در نهایت گزینه‌ها و کارهایی که او سرانجام پیش خواهد گرفت تعیین شود. دکتر کینگ همچنین آموزش بدون اخلاق را به "کشتی بدون قطب‌نما" تشبیه کرده است (کتب‌نو، ۲۰۱۴). شکی نیست که الحاق نوعی تربیت منش و اخلاق به دروس خشک و خشن، تأثیر مثبتی بر دانش آموزان می‌گذارد. پس سؤال این نیست که آیا باید آموزش اخلاق در مدارس باشد یا نه، بلکه سؤال این است: چگونه آن را آموزش دهیم؟

شاید یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت پرداختن به موضوع اخلاق حرفه‌ای این باشد که هر فعالیتی از سوی جامعه بشری بدون در نظر گرفتن اخلاق، راه به سمت نابودی و رذایل اخلاقی خواهد برد. از آنجاکه آموزش و پرورش نهاد رسمی متولی تربیت انسان آینده است، تأکید بر اخلاق و اخلاق‌مداری جزء جدایی‌ناپذیر فعالیت‌های حرفه‌ای اوست و غافل ماندن از آن پیامدهای جبران‌ناپذیری برای یک نسل برجا خواهد گذاشت. بنابر این، در این پژوهش نگاهی تأملی بر اصول، ویژگی‌ها و مسائل مرتبط با اخلاق حرفه‌ای معلم شده است و مهم‌ترین مسائل مرتبط مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

روش پژوهش

روش مورد استفاده در این پژوهش از نوع مروری بود. بنابر این جهت دریافت مقالات معتبر مورد نیاز، پایگاه‌های داده اطلاعاتی فارسی و انگلیسی شامل مگیران، گنج، نورمگز، SID، اسکوپس^۱، ساینس دایرکت^۲، پروکوئست^۳، گوگل اسکالر^۴ و گوگل مورد بررسی قرار گرفتند. کلیدواژه‌های مورد استفاده برای جستجو شامل اصول اخلاقی، اخلاق حرفه‌ای معلم، آموزش اخلاق مدار، اخلاق در تربیت معلم، teacher ethics/morality، ethics/morality in education، professional ethics بودند. از فنون بازیابی اطلاعات گوگل، مانند عملگرهای AND، OR، file type و " " به‌عنوان راهبرد

-
1. Scopus
 2. Science Direct
 3. ProQuest
 4. Google Scholar
 5. ERIC

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

جست‌وجو استفاده شد. به دلیل این‌که برخی از اصول اخلاقی ریشه در زمان‌های دور دارند، محدوده زمانی برای جستجو در نظر گرفته نشد؛ اما بیشتر تأکید بر اصول اخلاقی در ۲۰ سال اخیر بود. به دلیل محدودیت‌ها، دسترسی به برخی از مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتی خارجی امکان‌پذیر نبود. در بررسی اولیه، تعداد ۱۳۷ مقاله از پایگاه‌های مختلف دریافت گردید و در پالایش اولیه این تعداد به ۷۳ مقاله رسید. معیار انتخاب مقاله برای مطالعه نهایی همخوانی عنوان و چکیده آن با موضوع اخلاق حرفه‌ای معلم بود و مقالاتی که ارتباط مستقیم با موضوع نداشتند از فرایند تحلیل خارج می‌شدند. در نهایت تعداد ۲۷ مقاله، انتخاب نهایی شدند و به‌صورت تمام متن مطالعه گردیدند. در این پژوهش بیشتر تأکید بر اخلاق حرفه‌ای در آموزش معلمی در متون خارجی بود؛ با این حال تعدادی از منابع داخلی نیز مورد بررسی قرار گرفتند.

ماهیت حرفه‌ی معلمی

برای پاسخ به این سؤال که، آیا و چگونه حرفه‌ی معلمی می‌تواند به جنبش گسترده‌ی هنجارگرایی فرایض و بایسته‌های اخلاقی بپیوندد؟ برخلاف دیگر مشاغل، معلم یک پایگاه دوگانه دارد: او نه تنها یک کنشگر اخلاقی است، بلکه در عین حال مربی اخلاقی هم باید باشد (فنسترمایچر^۱، ۲۰۰۱). نادلسون^۲ (۲۰۰۷) به نقل از پورشافعی و رمضان زاده (۱۳۹۷) اخلاق حرفه‌ای آموزش را از دو بعد استانداردهای اخلاقی که باید در آموزش رعایت شوند و اصول اخلاق فردی که هر فرد باید خود را ملزم به رعایت آن بداند قابل بررسی می‌داند. معلم به‌عنوان کنشگر اخلاقی، همانند یک پزشک، روانشناس یا قاضی، باید از نظر اخلاقی رفتاری کامل و بدون عیب داشته باشد، می‌بایست راست‌گو، درستکار، بدون تعصب باشد و باید مسئولیت حرفه‌ای از خودش نشان دهد. یک معلم، با توجه با اهدافی که دنبال می‌کند برای ساختن رفتار کودک کارکردی روشن دارد تا فضایل اخلاقی مثل نیاز به عدالت، درستکاری، مسئولیت، شجاعت، مهربانی، حوصله، خودفرمانی، دلسوزی، احترام به دیگران و غیره را به‌طور منظم و روشمند در ذهن کودک نهادینه کند (کمپبل^۳، ۲۰۰۸). در عین حال، ساختن شخصیت کودک یک جنبه‌ی تلویحی هم دارد و آن الگوی اخلاقی است که معلم با رفتار شخصی خودش نشان می‌دهد.

1. Fenstermacher

2. Nadelson

3. Campbell

پیشینه‌شناسی اخلاق حرفه‌ای معلم در آموزش

هرگونه کردار معلم، معانی اخلاقی آشکار و پنهانی دارد، یعنی مسائل اخلاق جمعی که در تمام جوانب زندگی نفوذ می‌کند. بنابر این، از طریق دو نقش درهم‌تنیده شده‌ی معلم، به نظر می‌رسد حرفه‌ی معلمی حرفه‌ای است که مسئولیت و بار اخلاقی دارد. جای شگفتی دارد که در چنین حرفه‌ای، جای مدیریت اخلاقی خالی باشد و هیچ‌گونه ثبات ساختاری و دورنمای پیوسته‌ای وجود نداشته باشد.

دلیل محکم دیگری که از نیاز توجه بیشتر به موضوع مدیریت اخلاقی در آموزش و پرورش حمایت می‌کند بر واقعیت‌های جهانی که در آن زندگی می‌کنیم استوار است. متخصصان پیوسته از فرسایش نظام ارزش‌های جامعه‌ی فرانوین شکایت دارند. صحبت‌هایی مطرح می‌شود درباره‌ی بحران اخلاقی جهان امروز، بحران آموزش و پرورش، بحران خانواده و بحران مدرسه. آنچه بدیهی است این حقیقت است که این بحران‌ها نمی‌توانند از همدیگر جدا باشند. فروریزی ارزش‌های سنتی خانواده و بحران مدرسه با آنچه در جامعه رخ می‌دهد به هم وابسته‌اند. از نظر فلسفه‌ی شناخت‌شناسی، جدا کردن متغیرها برای پیدا کردن نقطه‌ی آغاز این حلقه‌ی ناجور امکان‌پذیر نیست. مدرسه آئینه‌ی واقعیت اجتماعی است، ولی مدرسه هم تا حدی برای آنچه در این آئینه دیده می‌شود مسئول است و همین‌طور خانواده‌ی کنونی. هر معلمی باید اخلاق تدریس را که برای توسعه کیفیت و پتانسیل حرفه معلمی تأسیس شده است حفظ کند و از سیستم آموزش ملی حمایت کند. معلمان به‌عنوان ستون فقرات توسعه ملت باید اخلاق تدریس شده را دنبال کنند (شمسیا، ماهانی و آنیسا، ۲۰۱۷).

باید توجه داشت که مدیریت اخلاق حرفه‌ای معلمی نه‌تنها مسئولیت سازمان مدرسه است که در حیطه‌ی وظایف مدیر قرار می‌گیرد، بلکه به همان اندازه به یک‌رویه‌ی آموزشی هم پیوند می‌خورد. صدور تصویب‌نامه‌های هنجارگرا، ساختار و پویاگان‌های^۱ آموزشی اولیه و مداوم و رصد کردن پیروی از شاخص‌های حرفه‌ای فراتر از اختیارات یک موسسه‌ی آموزشی معین است. آن‌ها به وزارتخانه‌های ملی که مسئولیت نظام آموزش و پرورش را به عهده‌دارند پاسخگو هستند. علاوه بر آن، امروزه صحبت از یک سیاست آموزشی در سطح اتحادیه‌ی اروپا و حتی از یک منشور بین‌المللی همکاری مدرسه‌ای در سال‌های ۲۰۲۰ تا ۲۰۳۰ است (می ریو، ۲۰۰۶).

1 . Dynamics

2 . Meirieu

اخلاق جمعی در حرفه‌ی معلمی

در حرفه‌ی معلمی قوانین اخلاق جمعی پراکندگی دارد و به صورت احکام تجویزی، مقررات، شاخص‌ها، هنجارهای درونی، بدون هیچ‌گونه یکپارچگی گسترده شده‌اند. امروزه حرفه‌ای کردن یک شغل در سطح بالا بدون مدیریت اخلاق جمعی کارا هرگز شدنی نیست. رعایت اخلاق آموزشی توسط معلمان، سلامت فرایند یاددهی و یادگیری را تضمین می‌کند (کیخا و ایمانی‌پور، ۱۳۹۹). در میان عناصر سیستم مدیریت اخلاق جمعی می‌توان به سنت‌های بایسته‌شناسی^۱، سنت‌های رویه‌ی انضباطی^۲، کمسیون‌های بایسته‌شناسی و اخلاق جمعی، متون درسی مربوط به کردارهای نیک و غیره، اشاره کرد. هدف همه‌ی این عناصر، سازمان دادن به باورهای راسخ، نگرش‌ها و رفتارهای اخلاقی در درون این حرفه و ساختن تدریجی یک فرهنگ حرفه‌ای با توانشی در حد بالاست که توانش اخلاقی خمیرمایه‌ی درونی آن است. سازوکارهایی همانند مدیریت اخلاقی در دیگر رشته‌ها که روحیه‌ی حرفه‌ای‌گری در آن‌ها بالاست مثل پزشکان، روانشناسان، مددکاران اجتماعی، قاضیان دادگستری و غیره بکار گرفته می‌شود. به‌کارگیری چنین سازوکاری در حرفه‌ی معلمی در نقطه‌ی آغازین قرار دارد، برخی ابزار مدیریت اخلاقی در فضایی پر از کاستی، ناپیوستگی، نیازمندانه و بیشتر رسمی در حال اجراست (ماریکا^۳، ۲۰۱۲).

مبانی آموزش اخلاقی و شخصیتی

در بخش وسیعی از تاریخ، باور ساختن شخصیت (وظیفه‌ی نسل بزرگ‌تر برای ساختن شخصیت جوانان) اصل مهمی بوده است که آموزش اخلاقی را تشکیل می‌دهد. ارسطو معتقد بود که برای عالی شدن در هر حرفه و هنری از جمله پارسایی، مجبوریم آن را تمرین کنیم. با تمرین اعمال عدالت، عادل می‌شویم، با ممارست خویشنداری، خویشندار و با انجام کارهای شجاعانه، شجاع می‌شویم. بنابر این بی‌اهمیت نیست اگر عادت یا عادت‌هایی از اوایل کودکی در ذهن ما با تلقین شکل گیرد. دست‌اندرکاران

1. deontological codes

2. disciplinary procedure codes

3. Marica

پیشینه‌شناسی اخلاق حرفه‌ای معلم در آموزش

حرفه‌ای در آموزش و پرورش، به دانش عینی نیاز دارند تا بدانند چگونه کودکان حس بنیادی تشخیص درستی از نادرستی را در خود شکل می‌دهند و مدرسه چه کاری می‌تواند بکند تا شکل‌گیری مناسب آن را تقویت کند. ویلیام دیمون (۱۹۹۶) در پژوهشی توصیفی می‌کند که کودکان به جای حرف زدن از عزت‌نفس، با انجام کار موفقیت‌آمیز به خود می‌بالند. آن‌ها از فشارهای معقول مرتبط با فعالیت‌های ارزشمند مثل تکالیف دشوار و پر زحمت، احساس خستگی نمی‌کنند. آنان افراد سخت‌کوش و برگشت‌پذیر هستند و با انگیزه‌های بیرونی (مثل آرزوهای بزرگ، پاداش، فشار، تشویق، نمره و غیره) و انگیزه‌های درونی برای یادگیری برانگیخته می‌شوند. ولی در عین حال به راهنمایی نیاز دارند که بزرگسالان توانا و دلسوز می‌توانند به بهترین وجه در اختیارشان بگذارند.

دانیل گولمن (۱۹۹۵)، تأثیرات مثبت و کارکردهای زیان‌بخش تربیت کودک را ثبت کرده است که به رفتارهای مثبت و یا ضد اجتماعی منجر می‌شود. از نظر او، بسیاری از این کارکردها به آموزش پیوند می‌خورد. رفتارهای پرخطری مثل نسنجیدگی و پرخاشگری، لجبازی و دو دلی، واکنش تند به رنجش، و ناتوانی در گرفتن به موقع رضایت فراگرفته می‌شوند و در موفقیت اجتماعی و آموزشی و با آنچه گولمن "روشن ذهنی" می‌نامد مداخله می‌کنند. دیگر خصلت‌ها که به‌طور یکسان فرا گرفته می‌شوند خیلی بیشتر به خوش‌بینی و بلوغ کامل منجر می‌شود. این خصلت‌ها عبارتند از: وجدان کاری با فرهنگ قوی، میانه‌روی، توانایی مقابله با ناکامی‌ها، خوش‌بینی و همدردی.

اگر معلمان آموزش مناسبی دریافت کنند، در محیط کلاسی مناسب می‌توانند چنان خصلت‌های مثبتی را در کودکان تقویت کنند. هرگز تصادفی نیست که برخی مدارس در پرداختن به رشد اخلاقی دانش‌آموزان خودشان ماهرترند. مدارس بهتر برای پارسایی برنامه‌ریزی می‌کنند. برنامه‌ی درسی حاوی اشاراتی به کردارهای پارسایی است و دانش‌آموزان به خاطر رفتارهای نیک مآبانه خودشان تأیید می‌شوند و پاداش می‌گیرند. ساختمان مدرسه از نظر فیزیکی مراقبت می‌شود و از نظر روان‌شناختی ایمن است و معلمان ویژگی‌های شخصیتی نمونه را در عمل به نمایش می‌گذارند و ارتباط خوبی بین معلمان و اولیا دانش‌آموزان برقرار است (بنینگا^۱، ۲۰۰۳).

ویژگی‌های آموزش اخلاق‌مدار

^۱ . Benninga

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

همه‌ی مسائل آموزشی که برای یک معلم پیش می‌آید به راحتی حل نمی‌شوند. به عنوان یک معلم، فرد ممکن است به تصمیمی برسد که بر کل زندگی او تأثیر بگذارد. بنابراین لازم است برای چنین کاری آمادگی داشته باشد. صرف نظر از شدت یک تنگنا و دشواری تصمیم‌گیری برای آن، هر معلمی باید بر پایه‌ی موازین اخلاقی اقدام کند. موازین اخلاقی مجموعه رهنمون‌هایی است که برای تعیین اقدام درست در یک موقعیت بکار می‌رود. تمام اصول اخلاقی می‌بایست شش عنصر دانش، همدلی، استدلال، شناخت ملاحظات اخلاقی، جرأت و مهارت‌های ارتباط بین فردی را در ساختار خودشان داشته باشند (لینچ^۱، ۲۰۱۶):

۱. **دانش:** داشتن دانش کافی و مناسب برای حل و فصل مسائل اخلاقی بسیار مهم است. داشتن علم کافی از هر دو سوی موقعیت پیش آمده و آنچه از آن‌ها انتظار می‌رود به معلمان کمک می‌کند دیدگاه‌های متعددی را برای تنگناهای اخلاقی متصور شوند. پس از ارزیابی محاسن و معایب نتایج اقدامات ممکن، معلم می‌تواند درباره‌ی بهترین روش برخورد با موقعیت پیش آمده تصمیم بگیرد.

۲. **همدلی:** همدلی اشاره دارد به توانایی شناخت یک موقعیت از نظرگاه شرکت‌کنندگان مختلف درگیر در موضوع. همدلی روند تصمیم‌گیری را قادر می‌سازد تا فراهم آوردن بیشترین فواید برای تمام گروه‌ها را بدون تعصب هدف نهایی خود قرار دهد. همدلی راه‌های متعددی را برای رسیدن به تصمیمی می‌گشاید که برداشت‌ها و بینش‌های تمام افراد درگیر را در خودش دارد.

۳. **استدلال:** توانایی واکاوی منطقی و یکپارچه‌ی موقعیت‌ها و چشم‌اندازها عنصر مهمی از اصول اخلاقی مرتبط به حرفه‌ی معلمی را به نمایش می‌گذارد. برای معلمان مهم است بتوانند درباره‌ی یک موقعیت یا وضعیت به دقت اندیشه کنند درحالی‌که همه‌ی جوانب را مورد نظر قرار می‌دهند و اصول اخلاقی را به عنوان معیار سنجش حفظ می‌کنند.

۴. **شناخت ملاحظات اخلاقی:** توانایی تشخیص و تحلیل سلیق اخلاقی متفاوت و متضاد درگیر در هر موقعیت هنگام رویارویی با تنگناهای اخلاقی بسیار مهم است. حقوق همه‌ی افراد باید حفظ شود و هیچ‌کس نباید از آنچه سزاوار اوست محروم بماند. مهم‌ترین ویژگی در برخورد با ملاحظات اخلاقی توانایی وفادار ماندن به راستی و حقیقت است.

^۱. Lynch

پیشینه شناسی اخلاق حرفه ای معلم در آموزش

۵. جرأت: اگر عنصر جرأت نباشد، دستیابی به آرمان‌های آموزش اخلاق مدار مانند شناخت ملاحظات اخلاقی، استدلال و همدلی بسیار دشوارتر است. برای شایسته سازی پیامدهای اخلاقی برای همه‌ی گروه‌های درگیر، جرأت مورد نیاز است و بسته به موقعیت می‌تواند شکل اراده^۱، کاردانی^۲ و حتی فن شهر-زیستی^۳ (کسی که می‌داند چگونه با موقعیت‌های دشوار و خطرناک بخصوص در شهرهای بزرگ مقابله کند) را به خودش بگیرد. به‌عنوان یک معلم از شما انتظار می‌رود تا در پاره‌ای از موقعیت‌ها، گاهی به‌طور روزمره، از خودتان جرأت و دلاوری نشان دهید. دانستن اینکه مقررات مدرسه و شاید حتی قانون پشتیبان شماست همیشه مفید خواهد بود، ولی موارد خیلی کمی است که در آن‌ها بتوانید بدون جرأت به خرج دادن برای وصل موضوع به شخص ثالثی به‌طور کامل دلگرم باشید. نگهداری بهترین دلبستگی‌های دانش‌آموزانتان در دل خودتان به هدایت شما در مسیر درست کمک خواهد کرد.

۶. مهارت‌های ارتباطی بین افراد: اگر معلمان مهارت‌های ارتباطی لازم برای تبیین موضع خودشان را نداشته باشند، حتی با داشتن ویژگی‌های بالا نیز از عمل اخلاق‌مداری بازمی‌مانند. اگر معلم از مهارت‌های ارتباطی درون فردی برخوردار نباشد، حتی اگر شناخت درست و روشنی از حق و باطل داشته باشد و تمام ویژگی‌های یک معلم اخلاق-مدار را هم با خود حمل کند، ظرفیت پیامدهای مثبتش در تنگناهای اخلاقی کاهش می‌یابد. در موقعیت‌های آمیخته به اخلاق، معلمان باید بدانند با چه ظرافت و سنجیدگی واژگان خود را به زبان آورند و چگونه اصطلاحات زبانی را درست و صادقانه بیان کنند تا نه خیلی خشن و سختگیر و نه خیلی ناتوان و ضعیف به چشم بیایند.

پیوند دادن اخلاق به دروس

مربیان آموزشی نه‌فقط از طریق الگوی خوب بودن بلکه با روابط روزمره‌شان با دانش‌آموزان، بر رشد اخلاقی آن‌ها تأثیر می‌گذارند. آموزش اخلاق می‌تواند از طریق برنامه‌های رسمی مدارس یا تربیت‌معلم مترقی اتفاق بیفتد. باین‌حال، در حال حاضر بیشتر به این موضوع فکر کنید که به‌عنوان یک معلم چگونه می‌توانید بر رشد اخلاقی

1. willpower

2. tact

3. street-smart

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

دانش آموزانتان تأثیر بگذارید (ویسبرد^۱، ۲۰۰۲). در ادامه رهنمودهای مهم در این زمینه ارائه شده‌اند:

رفتارهای مثبت را آموزش دهید. یکی از نخستین راه‌هایی که شما به‌عنوان مربی آموزشی می‌توانید آموزش اخلاق را به کلاستان بیاورید روراست سخن گفتن از رفتارهای مثبت است. گاهی اوقات می‌پنداریم که دانش آموزان می‌دانند هر لحظه چه کار درست و اخلاقی انجام دهند. ولی نگذارید این پنداشت باعث شود فرصت‌هایی را نادیده بگیرید که می‌توانید لحظه‌های آموزنده‌ای از موقعیت‌ها در کلاسهای تان بسازید. آشکارا آنچه را که کار درست می‌دانید با دانش‌آموزان در میان بگذارید، و آن‌ها را درگیر بحثی کنید که وادارشان می‌کند آنچه را مناسب‌ترین روال می‌دانند برای خودشان سبک و سنگین کنند. **الگوی کرداری باشید.** آنچه اهمیت دارد نه فقط گفتار بلکه کردار شماست. به‌عنوان یکی از بزرگسالان در زندگی کودک، مهم است تا رفتار و سلوک خودتان را آن‌گونه که یک فرد حرفه‌ای اخلاق‌مدار باید باشد برای دانش‌آموزان الگو کنید. اطمینان بخشید که شما کار درست را انجام می‌دهید و بر اساس بالاترین موازین اخلاقی رفتار می‌کنید. جوانمردانه داوری کنید، راستی و بزرگواری پیشه کنید، احساس مسئولیت داشته باشید و آن را به دیگران نشان دهید، بگذارید دانش‌آموزان ببینند چگونه این ویژگی‌های شخصیتی را داخل و خارج کلاس دارا هستید.

آموزش اخلاق را به محتوای درس پیوند دهید. گاهی یادگیری محتوای یک متن درسی مشخص، کار ساده‌ای است. اما به دنبال فرصت‌هایی باشید که جوانب درس شما یک سؤال اخلاقی برانگیزد یا به مسائل شخصیتی پیوند بخورد. دانش‌آموزان از این که به چالش کشیده شوند تا درباره‌ی خودشان به‌طور انتقادی بیندیشند لذت می‌برند. پیوند دادن مباحث اخلاقی به محتوای درسی هم دانش و هم منش آن‌ها را تقویت می‌کند.

با والدین صحبت کنید. دانش‌آموزان شما برایتان مهم هستند، ولی شما تنها بزرگسال علاقه‌مند به رشد اخلاقی آن‌ها نیستید. آرمان‌های خودتان درباره‌ی شخصیت دانش‌آموزانتان را با والدین در میان بگذارید. با آن‌ها درباره‌ی اینکه چگونه دانش‌آموزان از نظر درسی و اخلاقی رفتار کنند گفتگو کنید و همیشه اطمینان یابید به والدین اجازه

¹. Rick Weissbourd

پیشینه‌شناسی اخلاق حرفه‌ای معلم در آموزش

می‌دهید تا در رشد و تربیت منش فرزندان خود دخالت کنند و آن را زیر نظر داشته باشند.

اگر به سیاهه‌ی عناصری که در برنامه‌های تربیت شخصیت - حتی برنامه‌های غیر رسمی که معلمان خودشان اجرا می‌کنند - پوشش داده می‌شود نگاهی بیندازید، متوجه هم‌پوشانی محکمی بین شخصیت خوب و شاگرد خوب خواهید شد. در نظر داشته باشید که چگونه پیشرفت در هر یک از موارد: احترام به دیگران، مسئولیت شخصی، حل درگیری، حضور بهتر، حوصله؛ مهربانی، اشتراک ورزی، خودمداری، لحن آرام، همکاری اجتماعی، انصاف، صداقت و دلسوزی می‌تواند تأثیر مثبت بر موفقیت‌های درسی شاگردان بگذارد. هنگامی که دانش‌آموزان به‌طور پیوسته در برابر مباحث مربوط به این‌گونه خصلت‌های پرهیزگاران قرار می‌گیرند و تشویق می‌شوند تا این ویژگی‌ها را دارا باشند، پیامد آن: ارجاعات انضباطی کمتر، حضور بهتر، انجام بهتر تکالیف، کاهش زورگویی و اخراج، کاهش درگیری بین شاگردان و معلمان، فهم کامل وظیفه، رفاه و مالکیت در کلاس و دیگر عناصر مثبتی که بر یادگیری شاگردان تأثیر می‌گذارد، خواهد بود. برای رفاه عموم، هیچ‌چیز مهم‌تر از این نیست که جوانان به خرد و پرهیزگاری آراسته شوند. همان‌گونه که ما دانش‌آموزان خود را به آموزش‌های نیرومند تجهیز می‌کنیم، مشارکت ما در رشد ویژگی‌های اخلاقی‌شان به ما دلگرمی می‌دهد که در جوانی‌شان در محیط یادگیری مثبت‌تری شرکت می‌جویند و در بزرگسالی جامعه‌ی بالغ و برومندی را محافظت می‌کنند (ویسبرد، ۲۰۰۲).

مسائل اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پرورش

ژاکس^۱ (۲۰۰۳) معتقد است نخستین وظیفه‌ی اخلاقی یک معلم فراهم آوردن آموزش با کیفیت است. در واقع تمامی فرایندهای آموزش و پژوهش ماهیتی اخلاقی دارند. از این‌رو، رعایت الزامات اخلاقی یک ضرورت است (آرین پور و مهرابی، ۱۳۹۵). معلمانی که دارای سطح بالای حرفه‌ای‌گری هستند به دانش‌آموزان کمک می‌کنند یاد بگیرند. بر طبق گفته‌ی وین^۲ (۱۹۹۵)، معلمانی که چنین درکی از تعهد دارند، روحیه‌ی حرفه‌ای‌گری خودشان را با رفتارهای زیر نشان می‌دهند:

- حضور منظم و به‌موقع سر کار

1. Jacques

2. Wynn

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

- داشتن اطلاع کافی از مسائل دانش‌آموزی
- طراحی و اداره‌ی دقیق کلاس‌ها
- بازبینی و به‌روز کردن و مرتب کارکردهای آموزشی
- همکاری، و در صورت لزوم برخورد با والدین دانش‌آموزان کم‌کار
- همکاری با همکاران و رعایت سیاست‌های مدرسه، که به بهبود کار موسسه می‌انجامد
- محترمانه و در عین حال انتقاد کردن از سیاست‌های غیر قابل‌قبول مدرسه و دادن پیشنهاد سازنده

کیو^۱ (۲۰۰۸) هفت ارزش زیربنایی اخلاق کار تدریس را شامل امانت‌داری، راستی، خردمندی، سپاسگزاری، فداکاری، اخلاص و شفقت معرفی می‌کند. این ارزش‌ها باید توسط هر مربی در جهت اعتماد و مسئولیت معلمی اعمال شود. همچنین شمس‌یا، ماهانی و آنیسا^۲ (۲۰۱۷) شش نمونه از اخلاق آموزشی که مربیان باید اتخاذ کنند را شامل اخلاق دانش‌آموزان، اخلاق گفتاری، اخلاق زمانی، اخلاق کاربردی، اخلاق اجتماعی (والدین) و اخلاق هم‌تایان نام می‌برند که رعایت آن به‌ویژه در زمینه‌های فردی، خانوادگی، سازمانی و مدیریت جامعه به تأمین سعادت و شادکامی همه گروه‌ها می‌انجامد.

یک برنامه‌ی آموزش اخلاقی که برای دندان‌پزشکان در دانشگاه مینه‌سوتا استفاده می‌شد، با برنامه‌های آموزش حرفه‌ای تربیت‌معلم انطباق داده شد (رست و ناروایز^۳، ۱۹۹۴). در این برنامه که مدل چهار بخشی بلوغ اخلاقی نام دارد، چنین فرض می‌شود که رفتارهای اخلاقی بر اساس یک روند چندقسمتی ساخته می‌شوند (ببوی، رست و ناروایز، ۱۹۹۹). این چهار بخش عبارتند از:

(۱) **حساسیت اخلاقی**، آگاهی از اینکه چگونه اعمال ما بر مردم اثر می‌گذارد. این بخش شامل آگاهی از خطوط مختلف کار و اینکه چگونه هر خط کاری، بر گروه‌های درگیر اثر می‌گذارد. دانستن زنجیره‌های علت و معلول رخدادها در دنیای واقعی، همدردی و توانایی‌های نقش‌پذیری هم در داخل همین بخش قرار دارد.

1. Keow

2. Shamsiah, Mahani & Anisah

3. Rest, & Narvaez

4. Bebeau

پیشینه‌شناسی اخلاق حرفه‌ای معلم در آموزش

۲) **قضاوت اخلاقی**، بر پایه‌ی کار پیاز (۱۹۵۶) و کولبرگ (۱۹۸۴) قرار دارد و احساسات شهودی درباره‌ی اینکه چه چیزی منصفانه و اخلاقی است را در بر دارد. در این بخش از بزرگسالان خواسته می‌شود درباره‌ی فعالیت‌های انسانی پیچیده داوری کنند.

۳) **انگیزه‌ی اخلاقی**، که برتری دادن ارزش‌های اخلاقی را بر ارزش‌های شخصی، به‌ویژه در محیط‌های حرفه‌ای می‌طلبد.

۴) **منش اخلاقی**، که از افراد می‌خواهد تا بر پایه‌ی باورهای اخلاقی عمل کنند. راهبردهای آموزشی که برای بهبود حساسیت اخلاقی مناسب است عبارتند از تمرین‌های نقش ایفا کردن برای حساس کردن معلمان به تنگناهای آموزشی در دوره‌های پیش از خدمت و راهبردهای مرتبط برای آگاه کردن حرفه‌ای‌ها از اینکه کارهایشان بر دیگران اثر می‌گذارد. راهبردهای آموزشی مناسب قضاوت اخلاقی ممکن است شامل آموزش مستقیم هنجارها برای انجام قضاوت اخلاق حرفه‌ای در پرونده‌هایی شود که رضایت آگاهانه، مشی پدرمآبانه، و موارد نقض حالت محرمانه را در بر می‌گیرند. آموزش انگیزه‌ی اخلاقی ممکن است فعالیت‌های خدمت ویژه در حرفه و مطالعه‌ی نمونه‌های اخلاق حرفه‌ای (یعنی معلمان نمونه) را شامل شود. و در نهایت، آموزش منش اخلاقی ممکن است راهبردهای حل مسئله و رفع درگیری‌ها در میان کودکان و یا بین کودکان و اولیا را در بر داشته باشد (ببو، رست و ناروایز، ۱۹۹۹).

ابزارهای هنجارمدار و آیین‌نامه‌های بایسته‌شناسی حرفه‌ی معلمی

گام نخست به‌سوی بازسازی مدیریت اخلاقی در حرفه‌ی معلمی پی‌ریزی آیین‌نامه‌ی بایسته‌شناسی این حرفه است. آیین‌نامه‌ی بایسته‌شناسی ارجاع ارزش‌شناسی رایج اعضای این حرفه را نشان می‌دهد؛ بدین گونه که ضمن پایه‌ریزی بر اصل بدیهی آموزش و پرورش یعنی "دلبستگی بیشتر دانش‌آموز"، اصول حرفه‌ای، ارزش‌ها، هنجارها و شاخصه‌ها را بیان می‌کند. منظور از چنین آیین‌نامه‌ای این است که اعمال معلمان را در مسائل اخلاقی هدایت کند، به‌عبارت‌دیگر، الگوی رفتاری مطلوب را بیان کند، چهارچوب امنی از نظم و قابلیت پیش‌بینی در رفتار حرفه‌ای را که هم برای معلمان و هم برای بهره‌وران کنش‌های آموزشی ضروری است تضمین کند (ماریکا، ۲۰۱۲).

اهمیت اصلی هر آیین‌نامه‌ای در میزان کشش آن به بعد اخلاقی حرفه است. وفادار بودن به یک حرفه یعنی وفادار به الگوی رفتاری که در آیین‌نامه‌ی حرفه‌ای به‌روشنی

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

بیان شده است. با سوگند یا بدون یک سوگند واضح، تعهد داشتن به یک حرفه‌ی خاص نوعی تعهد رفتاری را به‌طور ضمنی نشان می‌دهد. آیین‌نامه‌ها با اتکا به برخی اصول و فضایل حرفه‌ای که در بنیان نقش معلم قرار دارد به‌طور تجویزی مقررات گوناگونی را در لوائح هنجاری متعدد، حقوق، منزلت، شاخص‌ها و مقررات پراکنده، قالب‌ریزی، یکپارچه‌سازی و تنظیم می‌کند. دشواری‌های بایسته‌شناسی می‌بایست بخش‌های مهم این فعالیت حرفه‌ای را، از ارزش‌ها و هنجارهایی که در متون به‌صراحت آمده تا نیازهای فعالیت‌های آموزشی و ارزشیابی، روابط آموزش و پرورش با شاگردان، والدین، همسالان و پژوهش آموزشی و رفتار حرفه‌ای هدف قرار دهد. بدین ترتیب، آیین‌نامه‌ها را می‌توان به‌عنوان یک "فراورده‌ی آموزشی" (استرایک^۱، ۱۹۹۰) تلقی کرد که به اجتماعی شدن اعضای جدید این حرفه و به بهبود وضعیت افراد کنونی کمک می‌کند (گرت، کولور و کلوزر^۲، ۲۰۰۶). اگر آیین‌نامه‌های بایسته‌شناسی با آیین‌نامه‌ی رویه‌ی انضباطی همراه نباشد چیزی به‌جز یک سند اخباری صرف نخواهد بود، رویه‌ای که تنبیهات تخلف‌های هنجاری، رتبه‌بندی آن‌ها، شیوه‌های ارزشیابی و سنجش انحراف‌ها، حالت‌های بازدارنده، روش‌های مشاجره، کمیته‌های بازدارنده و غیره را تنظیم می‌کند.

دو ابزار مدیریت اخلاقی که در پاراگراف قبلی ذکر شد (ابزارهای هنجار مدار و آیین‌نامه‌های بایسته‌شناسی) هنجاری-رویه‌ای و بازدارنده هستند. این‌ها باید نقطه‌ی شروع آموزش باشند، چون‌که نشان می‌دهند چه انتظاری از ما می‌رود، آنچه را که باید انجام بدهیم چیست و اگر آنچه را که از ما انتظار می‌رود انجام ندهیم، چه رخ می‌دهد. آیین‌نامه فقط به ما می‌گوید چه انجام دهیم، نه اینکه چگونه باید کار را انجام بدهیم. بر این، فعالیت‌های متعددی برای آغاز و بهسازی، از قبیل آموزش آغازین و پیوسته، کارآموزی، کارگاه، هم‌نشست، همایش و غیره ضروری است.

مطالعه‌های انجام‌شده، وجود رابطه‌ی معینی را بین دوره‌های آموزش حرفه‌ای و رفتار حرفه‌ای شخص دوره‌دیده نشان نمی‌دهد (دیین و بیگز^۳، ۲۰۰۶). باین‌حال، این حقیقت معنادار و قابل‌توجه نیست. از دیدگاه ماهیت‌شناسی، ثابت کردن و ثابت نکردن، دو مقوله‌ی به‌طور کامل جدا از هم هستند. اما اگر به‌طور نظری این حقیقت را می‌پذیرفتیم که رابطه‌ی بین آن متغیرهای خاص کنار گذاشته می‌شد، متوجه بی‌فایده بودن چنین

1 . Strike

2 . Gert, Culver, & Clouser

3 . Dean & Beegs

پیشینه شناسی اخلاق حرفه ای معلم در آموزش

دوره‌هایی برای یک معلم از درون آن نمی‌شدیم. هدف اصلی این دوره‌ها اصلاح شخصیت معلم آینده نیست. بیهوده است اگر ادعا کنیم با چند دوره‌ی آموزشی، شخصیت یک نفر ساخته می‌شود. چالش این دوره‌ها بیشتر از هر چیز دیگر یک چالش شناختی است، چون که تمرکز بر روی ساختن توانش‌ها است مقابله با موقعیت‌های اخلاقی پیچیده، ایجاد حساسیت اخلاقی، توانمندی‌های انجام استدلال یا قضاوت اخلاقی، توانایی متقاعدسازی و گفتگو در مسائل مربوط به اصول اخلاقی است (بودن و اسمایث^۱، ۲۰۰۸). از طریق تفکر انتقادی بر روی ارزش‌های بنیادین این حرفه، مباحث روشنگرانه، پیش‌بینی دشواری‌های داوری، موشکافی تنگناهای اخلاقی و سنجش تحلیل‌گرانه‌ی چاره‌های چیره شدن بر دشواری‌ها، معلم آینده نیز در زمره‌ی مربیان اخلاق قرار می‌گیرد. به دو دلیل نمی‌توان به‌اندازه‌ی کافی بر وجود درس بایسته شناسی حرفه‌ای برای تربیت معلمان تأکید داشت:

نخست، در چنین درسی، معلمان آینده، ممکن است روشی را بفهمند که دو بعد توانش حرفه‌ای همدیگر را کامل می‌کند: توانش فنی و توانش اخلاقی. برای برخی از پژوهشگران (سندووال، سدانو، اسیمآ^۲، ۲۰۱۰)، این موضوع ویژگی‌های اخلاقی پایه‌ی توانش فنی است. به بیان ساده‌تر، در پایان، پرسش اساسی درباره‌ی اهداف آموزش و پرورش این است که: چه می‌خواهیم بسازیم، یک فرد فنی یا یک شخصیت اخلاقی؟ جوابی که بایستی داده شود این است که یک شخصیت اخلاقی با توانش‌هایی در یک رشته‌ی حرفه‌ای. اگر این سخن را بپذیریم این حقیقت را هم باید پذیرفت که آموزش هر رشته‌ی تحصیلی، از طریق مجموعه ارزش‌هایی که آشکارا با آن‌ها کار می‌کند، یا از طریق برنامه‌ی درسی ضمنی، نه تنها به کارکرد ادراکی بلکه به کارکرد اخلاقی هم نیاز دارد.

دوم، درسی در موضوع اصول اخلاقی و بایسته شناسی حرفه‌ای، با شناساندن اصول و ارزش‌هایی که حرفه‌ی معلمی را اداره می‌کند و هنجارهایی که شیوه‌ی ارتباط برقرار کردن با دانش‌آموزان، والدین آن‌ها، همسالان، و اولیای امور محلی و سازمانی را نظم می‌بخشد، ممکن است هضم الگوی حرفه‌ای را در زیر سایه‌ی بعد اخلاقی آسان کند. واکاوی دشواری‌های تصمیم‌گیری، تنگناهای کارکرد حرفه‌ای بر عهده‌ی چنین درسی

1. Bowden & Smythe

2. Sandoval, Sedano & Ecima

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

قرار می‌گیرد. در نتیجه، فضای تفکر انتقادی به روی ارزش‌های اخلاقی در تدریس باز می‌شود.

پیگیری تصویب الزام‌های هنجاری، رصد کردن فعالیت‌های مرتبط با رفتارهای اخلاقی، ارزشیابی و حل دشواری‌های پیش‌آمده، شناخت اقدام‌های اصلاحی و بهبودبخشی، وظیفه‌ی کمیسیون‌های اصول اخلاقی و بایسته‌شناسی است که در سطوح مختلف سلسله‌مراتب قرار گرفته‌اند. این کمیسیون‌ها بررسی دقیق اخلاقی را هرچند وقت یک‌بار انجام می‌دهند، اخطارهای پیرامون انحراف‌های انضباطی، دادخواهی‌ها با اشخاص ثالث را حل می‌کنند، مطالعه و پژوهش‌های تجربی انجام می‌دهند تا سختی‌های تصمیم‌گیری اخلاقی را تشخیص بدهند و شناسایی کنند و اصلاحات هنجاری، سازمانی و رویه‌ای پیشنهاد بدهند. این کمیسیون‌ها را باید این‌گونه پنداشت، در نتیجه کار اصلی آن‌ها ساختن و هدایت کردن، و در وهله‌ی دوم، مشاهده کردن و بازداشتن است. در کل، سازمان‌دهی فعالیت‌های آموزشی مداوم درباره‌ی مشکلات اصول اخلاق حرفه‌ای، با ابزار مختلف بر عهده‌ی این کمیسیون‌ها قرار می‌گیرد.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش ابعاد مختلف اخلاق حرفه‌ای در تربیت معلم و الزامات اجرایی آن در محیط‌های آموزشی مورد بررسی قرار گرفت. در نتیجه ماهیت حرفه‌ی معلمی، اخلاق جمعی در حرفه‌ی معلمی، مبانی آموزش اخلاقی و شخصیتی، ویژگی‌های آموزش اخلاق‌مدار، پیوند دادن اخلاق به دروس، مسائل اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پرورش، ابزارهای هنجارمدار و آیین‌نامه‌های بایسته‌شناسی حرفه‌ی معلمی بحث و بررسی شدند. با نگاهی به عوامل بررسی‌شده می‌توان ادعا نمود که رفتار معلمی به‌عنوان یک رفتار حرفه‌ای شناخته می‌شود که با توجه به اهمیت آن در تربیت نیروی انسانی آینده یک مملکت، بدون ملاحظات اخلاقی قابل‌تصور نیست.

نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که اخلاق حرفه‌ای در آموزش و پرورش ماهیت پیچیده و چندوجهی دارد که پژوهشگران مختلف به آن پرداخته‌اند. لینچ (۲۰۱۶) اصول اخلاقی را شامل شش عنصر دانش، همدلی، استدلال، شناخت، ملاحظات اخلاقی و جرأت معرفی می‌کند. نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش قنبرپور، عباسیان، آراسته و نواب‌راهیم (۱۳۹۷) نشان دادند، اخلاق حرفه‌ای معلمان دارای هشت مؤلفه‌ی اساسی است که عبارتند از: معنویت؛ شخصیت؛ خودشناسی؛ مسئولیت

پیشینه شناسی اخلاق حرفه ای معلم در آموزش

اخلاقی در قبال دانش‌آموزان؛ مسئولیت اخلاقی در قبال اولیا و سرپرستان؛ مسئولیت اخلاقی در قبال حرفه و همکاران؛ مسئولیت اخلاقی در قبال سازمان و اداره؛ و مسئولیت اجتماعی. در همین راستا، کیخا و ایمانی پور (۱۳۹۹) در پژوهشی چهار مؤلفه اصلی اخلاق در عملکرد علمی، اخلاق در تعاملات، شخصیت اخلاقی و منش اخلاقی را از جمله ویژگی‌های آموزش اخلاق مدار برای یک آموزش‌دهنده بیان کردند. همچنین مصباحی و عباس زاده (۱۳۹۲)، عوامل اخلاق فردی (استانداردهای اخلاق فردی، اعتقاد قلبی، خودکنترلی و وجدان)، عوامل مدیریتی (نقش الگویی مدیران، رفتار خیرخواهانه و مشارکت در تصمیم‌گیری) و عوامل سازمانی (گزینش و به‌کارگیری، برنامه‌های راهبردی اخلاق و فرهنگ‌سازمانی) عوامل اخلاق شغلی (اخلاق آموزشی، اخلاق پژوهشی و اخلاق ارتباطی) و عوامل فراسازمانی (فرهنگ، شرایط سیاسی، اعتماد عمومی و شرایط اقتصادی) را به‌عنوان درون‌مایه‌های اخلاق در آموزش مطرح کردند. نتایج کلی همه پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه‌ی اخلاق حرفه‌ای در آموزش نشان‌دهنده‌ی اهمیت رفتار اخلاقی در آموزش است. بنابر این یک معلم هم باید خودش رفتاری اخلاق‌مدارانه داشته باشد و هم اصول اخلاقی را به دانش‌آموزانش القا کند.

اخلاق، توصیفی از رفتار پذیرفته‌شده توسط افراد در یک جامعه است. اخلاق خوب باعث شکوفایی یک جامعه می‌شود. رفتار اخلاقی باید از اصول و ارزش‌های اساسی در جامعه برخوردار باشد. آموزش اخلاق یکی از عناصر مهم زندگی است، به‌ویژه در زمینه‌های فردی، خانوادگی، سازمانی و مدیریت جامعه با هدف تأمین سعادت همه گروه‌ها در زندگی روزمره. اخلاق تدریس تأثیر بسزایی در کشورها دارد و نهاد آموزشی را نیز تعیین خواهد کرد. اخلاق تدریس بر ایجاد رفتارها و نگرش‌هایی متمرکز است که می‌تواند ضمن کمک به بهبود کیفیت آموزش، مهارت‌های معلم را نیز راهنمایی کند. این اخلاق آموزشی راهنمای معلمان در انجام وظایف خود است. گرچه هیچ‌گونه راه‌حل جادویی در زمینه‌ی اخلاقی وجود ندارد، احساس می‌کنیم بازبینی ساختار درونی می‌تواند به بافت‌های اجتماعی، جانی تازه بدمد که در کل جانی تازه به پیکر جامعه می‌بخشد.

بی‌اعتنایی نظام تربیت‌معلم به موضوع اخلاق، در هر کشوری با واکاوی برنامه‌ی درسی کارآموزی ثابت می‌شود. می‌توان چنین استدلال کرد، گرچه هیچ‌گونه درس مشخصی وجود ندارد، مسائل اصول اخلاقی به‌طور ضمنی در دیگر دروس بسته‌های آموزش و پرورش دیده می‌شود. به نظر می‌آید مسائل اخلاق فردی و جمعی، از جمله

اخلاق حرفه ای در آموزش، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰

تربیت شخصیت، باید بخشی از برنامه‌های تربیت معلم شود. در برنامه‌های تربیت معلم باید ارزش‌های بنیادینی را گنجانند که اجرای آن‌ها را در مدارس تضمین نماید.

منابع

- Benninga, J. S. (2003). *Moral and ethical issues in teacher education*. ERIC Clearinghouse on Teaching and Teacher Education.
- Bebeau, M. J., Rest, J. R., & Narvaez, D. (1999). Beyond the promise: A perspective on research in moral education. *Educational researcher*, 28(4), 18-26.
- Bin-Lokman, h. f., Bin-Johari, M. N. A. Bin Azhar, A. (2020). *Normative statements and descriptive statements of moral education in teacher ethics*. Proceedings of International Conference on the Future of Education IConFEd) 2020, Institute of Teacher Education Tuanku Bainun Campus, Penang, Malaysia, 17-18 November 2020.
- Bowden, P., & Smythe, V. (2008). Theories on teaching & training in ethics. *EJBO-Electronic Journal of Business Ethics and Organization Studies*, 13(2), 19-26.
- Campbell, E. (2008). *Teaching ethically as a moral condition of professionalism*. Handbook of moral and character education, 601-617.
- Catapano, J. (2014). Teaching Strategies: The Importance of Morality. www.teachhub.com
- Dean, K. L., & Beggs, J. M. (2006). University professors and teaching ethics: Conceptualizations and expectations. *Journal of Management Education*, 30(1), 15-44.
- Fenstermacher, G. D. (2001). On the concept of manner and its visibility in teaching practice. *The Journal of Curriculum Studies*, 33(6), 639-653.
- Gert, B., Culver, C. M., & Clouser, K. D. (2006). *Bioethics: A systematic approach*. Oxford University Press, USA.
- Keow, C. L. (2008). *Falsafah dan Pendidikan di Malaysia*. Kuala Lumpur: Kumpulan Budiman Sdn Bhd.
- Lynch, M. (August 1, 2016). Six core Characteridtics of Ethical teaching. Retrieved from www.theedadavocate.org
- Malone, D-M. (2020). Ethics education in teacher preparation: a case for stakeholder responsibility. *Ethics and Education*, 15(1), 77-97.
- Marica, M. A. (2013). On the ethical management of the teaching profession. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 76, 476-480.
- Sandoval, L. Y., Rodríguez-Sedano, A., & Ecima, I. (2010). Ethical qualities of professional development of the educator a humanistic perspective needed to manage a new way to see the quality of education. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 2589-2593.
- Shamsiah N., Mahani, I. & Anisah, H. (2017). *Pengantar Pengajian Profesional*. Oxford Fajar.
- Strike, K. A. (1990). Teaching ethics to teachers: What the curriculum should be about. *Teaching and Teacher Education*, 6(1), 47-53.
- Weissbourd, R. (2003). Moral teachers, moral students. *Educational Leadership*, 60(8), 6-11.
- Wynne, E.A. (1995). *The moral dimension of teaching*. In A.C. Ornstein (Ed.) *Teaching: Theory into practice*. (pp.190-202). Boston: Alyn and Bacon.
- Arianpoor, M., & Mehrabi, N. (2017). Obligations & Strategies of Professional Ethic in Higher Education System, *Journal of Ethics in Scince and Technology*, 11(4), 17-23.
- Cherabin, M., Meshkibaf Moghaddam, Z., Salavati, A., & Talaei-Bimarghi, F. (2018). Evaluating the Allameh Tabatabai's characteristics of professional ethics among

- the professors of Farhangian University of Khorasan Razavi from the perspective of students. *Moral Knowledge*, 1(21), 35-52.
- Ghanbarpour, O., Abbasian, H., Arasteh, H., & No- Ebrahim, A. (2019). Designing the pattern of teachers' professional ethics: A mixed methods study. *Quarterly Journal of Educational Innovations*, 18(69), 33-60. magiran.com/p1984289
- Keykha, A., & Imanipour, M. (2020). meta-synthesis of professional ethics elements in higher education. *Journal of Medical Education and Development*, 15(1), 53-70.
- Mesbahi, M., & Abbaszadeh, A. (2014). System model of professional behavior in supreme education (Qualitative research). *Bioethics Journal*, 3(10), 11.
- Moradi, F., & Tavassoli, A. (2019). The relationship between professional ethics and organizational commitment with the mediating role of school organizational culture. *Pooyesh in Educational Sciences and Counseling*, 4 (9), 39-21.
- Mousavi, F and Vashni, A. (2016). Construction and determination of psychometric properties (reliability and validity) of the professional ethics scale of educational managers. *Journal of Educational Leadership and Management*, 4, 141-159.
- Pourshafei, H., & Ramezanzade, KH. (2019). An enquiry into the current and the desirable status of professors' professional ethics from the perspective of students in Birjand University of Medical Sciences. *Birjand University of Medical Sciences*, 25(2), 107-114.

